

قانون گریزی و پیوندهای اجتماعی: (مطالعه موردی: شهر اهواز)

ابراهیم میرزایی^۱

یعقوب احمدی^۲

احمد بخارایی^۳

هوشنگ ناییبی^۴

چکیده

از جمله پدیده‌ها و عوامل تنظیم‌کننده نظم اجتماعی، قانون است که محور استحکام و انسجام هر جامعه‌ای می‌باشد. هدف تحقیق حاضر تبیین قانون گریزی بر پایه نظریه پیوند اجتماعی تراویس هیرشی است. از نظر هیرشی پیوند اجتماعی و شبکه اتصالات اجتماعی عامل مهمی در هم‌نوایی و احساس تکلیف افراد در قبال قواعد رسمی و غیررسمی جامعه می‌شوند. جامعه آماری از بین شهروندان ساکن بالای ۱۸ سال شهرستان اهواز انتخاب شدند. یافته‌ها نشان داد که بیشترین و کمترین حوزه قانون‌گریزی به ترتیب مربوط به قانون‌گریزی راهنمایی-رانندگی (میانگین ۳/۰۵) و فرهنگی-آموزشی (میانگین ۲/۴۷) است. مشخص شد که بین متغیرهای جنسیت، وضعیت تاهل، وضع درآمد و وضعیت شغلی رابطه معناداری وجود دارد. ضرایب همبستگی حاکی از

۱. دانشجوی دکتری رشته جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول)

ebrahimirzae2013@gmail.com

۲. دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور yahmady2001@yahoo.com

۳. دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور bokharaei_ah@yahoo.com

۴. دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران hmayebi@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۳/۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۷/۱۴

رابطه معنادار میان متغیر پیوند اجتماعی با ابعاد قانون‌گزیزی و شاخص ترکیبی کل قانون‌گزیزی است. در قسمت تحلیل مسیر، بعد اعتقاد به اعتبار اخلاقی-هنجاری بالاترین سهم را در تبیین قانون‌گزیزی به خود اختصاص داد. نتیجه کلی اینکه هرچقدر فرد حائز پیوندها و شبکه اتصال اجتماعی قوی با جامعه باشد، به همان نسبت قانون‌مند خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: نظم، قانون‌گزیزی، پیوند اجتماعی، تراویس هیرشی، اهواز

۱- مقدمه و بیان مساله

نظم اجتماعی به عنوان یک ارزش متعالی و همگانی، وسیله و هدف تمام نظام‌های اجتماعی است که زمینه فعالیت همه افراد جامعه را فراهم و همواره تبیین نظم اجتماعی در بین بخش مهمی از نظریه پردازی در علوم اجتماعی، مسئله کانونی می‌باشد. حفظ نظم اجتماعی مستلزم حاکمیت موثر قانون، هنجارهای سنتی، شبکه‌های چندگانه، مواضع شبکه‌ای و وجود شبکه‌ای از روابط سیبرنتیکی بین اعضای واحدهای مختلف جامعه مدنی و شهروندان است. حاکمیت قانون ضامن ثبات در جامعه، استحکام روابط اجتماعی در همه فضاها و زندگی و کارکرد معمول سیستم‌های اقتصادی و سیاسی علاوه بر سلامت فیزیکی آحاد مردم است (شلاپتوخ، ۱۳۹۵: ۲۷). اساس نظم اجتماعی در هر جامعه‌ای مجموعه‌ای از ارزشها و هنجارهای رسمی و غیررسمی است که افراد در زندگی روزمره آنها را رعایت می‌کنند. نظم در جامعه شناسی به هر عمل‌الگویی یا هر قانونمندی که در رفتار مردم نمایان است اشاره دارد (اسکیدمور، ۱۳۷۲: ۲۲). اگر افراد جامعه به قوانین و مقررات و هنجارهای اجتماعی که رفتارشان را به عنوان مناسب و نامناسب تعریف می‌کند، بی‌اعتنایی کنند، فعالیت‌شان متوقف یا دچار هرج و مرج خواهد شد (احمدی، ۱۳۹۵: ۱۱) آنگاه نظم و انسجام اجتماعی مختل و در آن صورت افراد با هنجارها و ارزشهای اجتماعی که مبین نظم اجتماعی است هم‌نوا نگردیده و مرتکب رفتارهای انحرافی و انواع قانون‌گزیزی می‌شوند (کلانتری و دیگران، ۱۳۸۴: ۵).

از جمله عواملی که نقش تقویت بخشی، انسجام بخشی اجتماعی، تنظیم و در نهایت تامین کننده نظم اجتماعی در جامعه را بر عهده دارد، قانون است که افراد جامعه در پرتو آن می توانند علاوه بر بهره مندی از زندگی اجتماعی از حقوق طبیعی خود نیز برخوردار شوند. بنابراین می توان گفت که محور استحکام و انسجام هر جامعه ای با توجه به قانون و رعایت آن است (دانایی فرد، ۱۳۸۹: ۸). قانون، در ادبیات جامعه شناسی شامل نظام هنجارهای استاندارد شده است که برای تنظیم اعمال انسانی و در جهت تحقق نظارت اجتماعی به گونه ای علنی استوار یافته است (محسنی، ۱۳۸۶: ۳۶۶). قانون به عنوان نوعی کنترل اجتماعی که سرچشمه اش با تبدیل جوامع بدون دولت به جوامع دولتی همراه است با دو ویژگی مشخص می شود؛ یکم، به عنوان الگویی رفتاری به این دلیل پذیرفته می شود که انحراف از آن می تواند با ضمانت اجرایی که هدفش وادار کردن به اطاعت یا مجازات است روبه رو شود. دوم، این ضمانت اجراها توسط هیئتی از کارگزاران به کار بسته می شود که اختصاصا برای اجرای این وظیفه از قدرت بهره مند شده اند. در جوامع مدرن امروزی نظام قانونی دولت بیشتر در قوه قضائیه جمع شده و دولت به مثابه قویترین سازمان ساختارهای اجتماعی معاصر، از طریق دستگاه قانونی خود، قدرتی را که ممکن است به وسیله یا در نهادهای دیگر اداره شود، تنظیم می کند. یکی از کارکردهای اساسی قانون، تنظیم تعریف و تائید حقوق بر اموال است؛ خواه عمومی، مشترک یا خصوصی باشد. قوانین با عرف ها که در آن هیئتی اجبارا آنها را به مرحله عمل در می آورند متفاوت است (گرث و میلز، ۱۳۸۰: ۲۷۹). جامعه ایران به دلایل بسیار مانند جوان بودن ساخت نسبی جمعیت ایران، بسط ارتباطات و گسترش تماس فرهنگی با دیگر جوامع و برخی تحولات اقتصادی-اجتماعی گرفتار نوعی بیماری است که در بیان جامعه شناسی از آن به عنوان بی هنجاری یاد می شود. یکی از آثار آشکار شیوع بی هنجاری در جامعه، قانون گریزی و نظم گریزی است که در جامعه امروز ما به شکل گسترده ظاهر شده است (شجاعی زند، ۱۳۷۹: ۴۴). در ایران هیچگاه رویه واحدی بر اساس قانون وجود نداشته و افراد همیشه در برابر آن یکسان

نبوده اند. به همین دلیل با عدم کارآمدی قانون و مقررات، از همان ابتدا شیوه های مختلف عمل براساس دستورالعمل ها و هنجارهای سنتی کارآمدتر بوده اند. به بیانی دیگر، ایرانی ها شناخت های مبتنی بر روابط رو در رو را که از نوع روابط سنتی است معتبرتر از شناخت های غیرمستقیم مبتنی بر روابط قراردادی و رسمی می دانند. با این وصف نادیده گرفتن قانون و مقررات در جامعه ی ایران کمتر موجب فشارهای هنجاری و به عکس، نادیده گرفتن هنجارهای غیررسمی و معمول در میان مردم براساس هویت جمعی غیررسمی و سنتی با فشارهای زیادی توأم است (معیدفر، ۱۳۸۰: ۹۰). نتایج عمده کتب، پژوهش ها و نظرسنجی های مربوط به جامعه امروز ایران در ارتباط با نظم اجتماعی و قانون‌گریزی، نشان دهنده گسیختگی اجتماعی، نابسامانی، قانون‌گریزی و فساد اجتماعی در ساختار کلی جامعه و ابعاد آن در همه سطوح اجتماعی است که در آن تمایل به نظم و قانون‌پذیری کم می باشد. همچنین رتبه ایران نیز در سطح جهانی در ارتباط با میزان و برآورد اعمال قانون بر اساس شاخص "دبلیو. جی. پی حاکمیت قانون (WJP Rule of Law Index)" که با تاکید بر ۹ عامل "میزان محدود بودن قدرت دولت"، "نبود فساد"، "باز بودن حکومت"، "حقوق اساسی"، "نظم و امنیت"، "نظارت منظم"، "عدالت اجرایی"، "عدالت کیفری"، و "نظام عدالت غیررسمی" به دست آمده، در بین ۱۱۳ کشور، ۸۶ با نمره میانگین ۰/۴۷ است. (۲۰۱۶. WJP). که رتبه مناسبی نیست. بالا رفتن جرائم در هر جامعه ای نشان دهنده افزایش میزان قانون‌گریزی و کاستن از اهمیت قانون در بین افراد آن جامعه است. استان خوزستان به عنوان یکی از استان هایی که هشت سال به طور مستقیم درگیر و شاهد جنگ تحمیلی بوده، در حوزه هایی مانند نفت، صنعت، کشاورزی و.. واجد شرایطی بسیار خوب و عالی و در وضعیتی متناظر با جامعه ایران، از یک سو دارای تفاوت های قومی-زبانی و با گذر از وضعیت سنتی و در معرض بودن تغییر و تحولات ناشی از مدرنیته از سوی دیگر، تغییرات اساسی در حوزه های مختلف جامعه را تجربه و تجلی و پیامد چنین تغییراتی را در ارتباط با شکل‌گیری انواع آسیب های اجتماعی و به طور

کلی قانون‌گریزی می‌توان مشاهده کرد. بر اساس آخرین گزارش‌هایی که معاون اجتماعی و پیشگیری از جرم قوه قضائیه اعلام کرده، در حال حاضر شاهد رشد ۱۵ درصدی جرایم در کشور می‌باشیم (۹۵/۷/۱۹ خبرگزاری فارس). طبق گزارش فرماندهی انتظامی استان خوزستان، رتبه خوزستان در میزان جرایم کشور هشتم و همچنین آمارها از رشد تقریباً سه برابری جمعیت کیفری استان از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۹۱ حکایت دارد (مبینی، ۱۳۹۳: ۱۴۰). رئیس مرکز اجرائیات پلیس راهور ناجا، استان خوزستان را یکی از استان‌هایی معرفی کرد که در آن بیشترین تخلفات حادثه‌خیز ثبت شده است (۹۴/۶/۲۱ سایت پلیس راهور ناجا). همچنین دادستان عمومی انقلاب شهر اهواز رتبه خوزستان در موضوع سرقت را ۵ تا ۸ و رتبه ناامنی ۲۰ در کل کشور می‌داند (ماهنامه طلوع، ۱۳۹۰: ۲). با نگاهی به آمارها و چگونگی جرایم در استان خوزستان، می‌توان شاهد نرخ و میزان جرایم و قانون‌گریزی بالا در این استان بود. استان خوزستان و مرکز آن-اهواز- دارای قومیت‌های متعدد و همچون کل جامعه ایران از مناطق در حال گذر از ساخت سنتی به شرایط مدرن است که در آن پیوندها، تعلقات و گرایشات سنتی بر نظام کنشی، روابط و تعاملات اجتماعی افراد هنوز حاکم و تاثیرگذار است. در نتیجه رفتارهای خودمدارانه، خودخواهانه و تعصبات عشیره‌ای و خویشاوندی مبتنی بر هنجارها و ارزشهای سنتی غیررسمی بر ضوابط و ملاک‌های قانونی مبتنی بر قانون اثباتی یکپارچه ترجیح داده می‌شود. وجود نرخ بالای جرایم در استان و شهر اهواز (ناآرامی‌های قومی، قتل، سرقت، تخلفات رانندگی،...) نمود و پیامد‌های ترجیح و اولویت هنجارها و انتخاب‌های سنتی بر ملاک و رویه‌های قانونی و به‌طور کلی عدم تمکین به قانون از سوی افراد جامعه است. در چنین شرایطی نظریه پیوند اجتماعی (Social bond Theory) تراویس هیرشی (Hirschi Travis) از جمله نظریه‌های اجتماعی است که با بافت اجتماعی و بستر فرهنگی جامعه مورد مطالعه تناسب و تجانس بیشتری دارد. در نتیجه شرح و بسط آن در جامعه‌ای چون ایران به عنوان جامعه چندفرهنگی و چندقومی بسیار مفید می‌باشد (مارشال و جانگر، ۱۹۹۷: ۱۰۰).

عناصر کلیدی در نظریه پیوند اجتماعی عبارتند از: دل‌بستگی به هنجارهای فردی و نهادی، تعهد به هم‌نوایی، درگیر شدن در فعالیت‌های مرسوم و اعتقاد به اعتبار اخلاقی هنجارهای جامعه. بدین ترتیب مدعای تبیینی یا مسئله این تحقیق، تحلیل و تبیین تالی‌ها و نتایج پیوند اجتماعی بر قانون‌گزینی است. پیوند اجتماعی در نظریه‌های جرم‌شناسی، نقش اصلی در ایجاد هم‌نوایی و قانون‌گرایی در بین افراد جامعه ایفا می‌کند (تیو، ۲۰۱۳؛ کندال، ۱۳۹۲؛ آگنیو، ۱۹۹۲ و ۱۹۹۷؛ آکرو و همکاران، ۱۹۸۵؛ سرنکوپیچ و جیوردانا، ۱۹۹۲؛ مارشال، ۱۹۹۷ و سامپسون و همکاران، ۱۹۹۷). سوال اصلی پژوهش این است که "پیوند اجتماعی چه نقشی در کنش و رفتارهای قانون‌گريزانه افراد دارد؟". این سوال کلی چند مسئله جزئی تر را در بر می‌گیرد:

- وضعیت و میزان کلی قانون‌گزینی چگونه است؟

- وضعیت و میزان ابعاد قانون‌گزینی (عمومی، اداری، اقتصادی-مالی، راهنمایی-رانندگی، فرهنگی-آموزشی) هر کدام به طور جداگانه چگونه است؟

- پیوند اجتماعی در شکل‌گیری وضعیت قانون‌گزینی تا چه میزان تاثیر دارد؟

- چه راهکار و پیشنهادهایی جهت تقویت قانون‌گرایی می‌توان ارائه داد؟

۲- پیشینه پژوهش

مطالعه پژوهش‌های پیشین، یک بخش عمده از روش علمی است که به محقق کمک می‌کند تا بینش وسیع‌تری نسبت به گذشته و روند فعلی پژوهش در موضوع مورد نظر بدست آورد. به منظور انجام پژوهش کنونی به مطالعه تحقیقات انجام گرفته مرتبط با موضوع پرداخته و نکته قابل توجه آنکه در میان مطالعه‌های قبلی، تحقیق مشابه و یا نزدیک به پژوهش حاضر در داخل کشور صورت نگرفته است. اولین تحقیق تجربی از نظریه پیوند اجتماعی، هیرشی و گودفرسون (۱۹۹۰) در تحقیق خود با عنوان "نشانه‌های

بزهکاری" با استفاده از یک نمونه ۴۰۷۷ نفری از دانش آموزان متشکل از گروه های قومی قفقازی-آسیای میانه و آمریکایی آفریقاتبار مشغول به تحصیل در دبیرستان های عمومی شهر سانفرانسیسکو انجام گرفت. داده های تحقیق با استفاده از سه منبع اسناد دبیرستان واسناد عمومی همراه با جزییات در مورد جوانانی که جرایم مرتکب شده و یک پرسشنامه مفصل و طولانی که شامل آیتم های چندگانه مرتبط با مدرسه، شخصیتی و اطلاعات در مورد کار و روابط والدین و گزارش های خود پاسخ دهندگان در مورد جرایمی چون دزدی و زد و خورد می شد، اخذ گردیده بود. محققان نتایج را در دسته های والدین، مدرسه و همسالان به صورت مجزا از همدیگر تفکیک کردند؛ به صورتی که نظارت و ارتباط قوی به خصوص از سوی مادر موجب شکل گیری خودپنداره مثبت و خود کنترلی در فرد و در نتیجه تاثیر قوی بر کاهش نرخ بزهکاری داشته است. همچنین نشان داده اند افرادی که دارای نمره آموزشی بیشتر و مثبت بیشتری بوده اند توانایی بیشتر در انجام کارهای مدرسه داشته و در نتیجه بزهکاری کمتری را مرتکب شده و در پایان در دسته همسالان نتیجه می گیرند کسانی که ارتباط مثبت توأم با احترام به عقاید همسالان داشته و ارتباط و پیوند بیشتری داشته اند کمتر مرتکب بزهکاری شده اند. در پایان محققان نتیجه می گیرند که وجود پیوند و ارتباط قوی نقش مهمی در کاهش نرخ کج رفتاری ایفا می کند. تحقیقی دیگر توسط گیز و همکاران (۲۰۰۳) به شیوه غیرتصادفی و یک نمونه ۴۲۲ نفری از بین دانشجویان با استفاده از پرسشنامه در ارتباط با نقش مدیریت والدین و ارتباط خانوادگی در شکل گیری انحراف صورت گرفته است. محققان نتیجه معناداری بین مدیریت والدین و انحراف می گیرند؛ به صورتی که مدیریت والدین همزمان دارای تاثیر مستقیم و غیرمستقیم می باشد: از یک سو موجب خود کنترلی بیشتر فرد و از سوی دیگر افرادی که خودکنترلی بیشتری دارند، دست به رفتارهای انحرافی کمتری می زنند. پورت و همکاران (۲۰۰۶) نیز در تحقیقی که متشکل از نوجوانان آمریکایی-آفریقاتبار بوده به تاثیر متغیرهای خانواده و همسایه بر بزهکاری وسلامت شخصیتی می پردازند. اینان در

دو موج جداگانه به بررسی بزهکاری در بین افراد با سن های مختلف می پردازند. محققان نتیجه می گیرند؛ ضمن آنکه با بالا رفتن سن شاهد بیشتر شدن بزهکاری می باشیم، بچه هایی که دارای والدین اقتدارگرا بوده اند، کمتر مرتکب بزهکاری شده اند. لانکشر و همکاران (۲۰۰۴) به مطالعه چهار بعد پیوند اجتماعی و ارتباط آنها با سوءاستفاده و تخلف های مالی را در بین یک نمونه ۱۰۳۶ نفری از مردان مجرد بومی محل، امریکایی های افریقانبار و قفقازی ها مورد سنجش قرار می دهند. نتایج حاکی از ارتباط قوی بین چهار بعد پیوند با سوءاستفاده مالی داشته است؛ به صورتی که پیوند ضعیف با قواعد و هنجارهای اجتماعی و اعتقاد پایین به قواعد و اعتقادات اخلاقی به طور قوی با سوءاستفاده مالی در ارتباط بوده و همچنین کم و کیف ارتباط با دوستان و میزان ارتباط نیز در میزان سوءاستفاده اقتصادی-مالی اثرگذار بوده است. ماریان جانگر و همکاران (۱۹۹۷) در پژوهشی به بررسی نظریه کنترل اجتماعی و تاثیر پیوند اجتماعی بر نظم اجتماعی در بین پسران چهار گروه قومی با زمینه اجتماعی متفاوت با نمونه ۸۱۴ نفری ساکن در هلند پرداخته است. گروه های قومی متشکل از ترکیه ای، سوری، مراکشی و هلندی های بومی بودند. محققان معتقدند که یکم؛ اعتقاد و باور ضعیف به قانون بستر و عامل مهم در شکل گیری بزهکاری در بین هر ۴ گروه می باشد. دوم، پیوند داشتن با خانواده و مدرسه در پیش بینی پذیر بودن بزهکاری موثر است. سوم، به استثنای گروه مراکشی، نظارت پایین و ارتباطات ضعیف در خانواده اگر با تضاد زیاد و عملکرد بد در مدرسه همراه باشد، نرخ بزهکاری افزایش می یابد. چهارم اینکه، زمان فراغت ابزار مهمی جهت مشغولیت و درگیر شدن با جامعه و پیوند اجتماعی می باشد و موجب می شود تا افراد کمتر دست به فعالیت های غیرمتعارف و خلاف عرف بزنند و در نتیجه شاهد کاهش بیشتر بزهکاری می باشیم.

با مطالعه و مرور پژوهش های قبلی نظریه پیوند اجتماعی، ابعاد نظریه و جوانب بیشتری آشکار و تا حدی روشن می شود که موجب کارایی و اثربخشی بیشتر نظریه می شود. تقریباً تمام بررسی های انجام گرفته بر نقش پیوند اجتماعی در کاهش و پیش بینی پذیر کردن رفتار و کنش بزهکارانه در حوزه هایی چون اقتصادی-مالی، تحصیلی، جرایم خیابانی، آموزشی، رفتارهای خشونت آمیز تاکید داشته و پیوند اجتماعی را مکانیسم مهمی در راستای کنترل و نظارت اجتماعی می دانستند (جانگر و همکاران، ۱۹۹۷؛ لانکشر و همکاران، ۲۰۰۴؛ پورت، ۲۰۰۶؛ گودفرسون و همکاران، ۱۹۶۹؛ گیبز و همکاران، ۲۰۰۳).

۳- مبانی نظری و مدل مفهومی

۳-۱- چارچوب نظری

نظریه پردازان رویکرد نظارت و کنترل اجتماعی (social control) بر این اعتقادند که انسانها موجوداتی با آرزوهای نامحدود و فرض را بر ارضا نشدن و سیری ناپذیری ماهیت انسان می دانند. بر این اساس معتقدند که بدون توجه به ماهیت انگیزه های رفتار مجرمانه ناهمنوایانه، تنها با نظارت های خارجی یعنی با کنترل اجتماعی می توان آرزوهای بی پایان انسان را مهار کرد. کنترل اجتماعی فرایندی است که توسط عوامل رسمی و غیررسمی و منابع مادی و غیرمادی صورت می گیرد و زمینه پیوند افراد با هم نوعان و جامعه را فراهم می کند. تراویس هیرشی، مهم ترین صاحب نظر این رویکرد است که در کتاب قیود اجتماعی (Social bond) با استفاده از بسط مفهوم کنترل اجتماعی دورکیم، مهمترین عامل نظارت اجتماعی یعنی پیوند اجتماعی را عاملی تاثیرگذار در همنوایی افراد با هنجارهای اجتماعی ذکر می کند. به نظر وی بهترین مکانیسم کنترل اجتماعی در مقابل انحراف این است که ما با دیگران ارتباط داشته و پیوند بخوریم (تیو، ۲۰۱۳: ۱۵۸). به بیانی دیگر، نظریه کنترل اجتماعی هیرشی بر این فرض استوار است که اگر مردم پیوندهای قوی با خانواده، مدرسه، همتایان، مذهب و سایر

نهادهای اجتماعی داشته باشند، کجروی به حداقل ممکن تنزل یافته و در صورت از هم گسیختگی، تضعیف پیوندهای فرد با جامعه و آزادی از قیود اجتماعی، احتمال وقوع کجروی افزایش می‌یابد. به نظر هیرشی، چهار پیوند اجتماعی مثبت شامل این موارد است (۱) دلبستگی به هنجارهای فردی و نهادی (Attachment to conventional people and institutions) (۲) تعهد به همنوایی (Commitment to conformit) (۳) درگیر شدن در فعالیت های مرسوم (Involvement in conventional activitie) (۴) اعتقاد به اعتبار اخلاقی هنجارها جامعه (Belief in the moral validity of social rule) (کندل، ۱۳۹۲: ۳۰۴).

الف- دلبستگی به هنجارهای فردی و نهادی

دلبستگی به معنای نزدیک بودن و وجود پیوند عاطفی مثبت با دیگران موثر مانند والدین است که در اثر ارتباط، یک پل جهت انتقال آرمانها و انتظارات والدین به فرزندان فراهم می‌شود (هیرشی، ۱۹۶۹: ۸۶). کسانی که به دیگران علاقه و توجه دارند، رفاه و احساسات این گونه مردمان را در نظر می‌گیرند و لذا مایل اند با مسولیت عمل کنند. بر عکس، کسانی که چنین علاقه ای ندارند، نگران این نیستند که روابط اجتماعی خود را به خطر اندازند، بنابراین بیشتر احتمال دارد که دزدی کنند یا مواد مخدر مصرف کنند. یعنی تعلق خاطر به افراد و نهادها در جامعه یکی از شیوه هایی که فرد خود را از طریق آن به جامعه پیوند می‌زند. ضعف چنین تمایلات و پیوندهایی موجب می‌شود که فرد خود را در ارتکاب کج رفتاری آزاد بدانند (ستوده، ۱۳۸۵: ۱۳۸).

ب- تعهد به همنوایی

به معنی تایید هنجارهای اجتماعی و مرسوم جامعه است که هم زمان شخص با بلندپروازی و آرزومندی به دنبال حصول به آن هاست و همین شرایط خود موجبات تولید همنوایی را مهیا می‌کند (هیرشی، ۱۹۶۹: ۲۱). تعهد یا دینی است که مردم نسبت به جامعه دارند. هر چقدر سرمایه گذاری آنان در تحصیلات، شغل، خانه، دوستان و.. بیشتر باشد، دلیل بیشتری دارند برای حفاظت از دستاوردهای خود، با دیگران هم‌نوا باشند. در نقطه مقابل، کسانی که سرمایه گذاری کمتری در جامعه دارند، خطر کمتری

در ارتکاب جرم می بینند و حتی ممکن است فرصتی برای سود بردن از آن نیز به دست آورند (ستوده، ۱۳۸۵: ۱۳۹). افراد در هر جامعه وقت و انرژی خود را صرف دستیابی به اهداف و کسب منزلت و حسن شهرت می کنند و به فعالیت های متداول زندگی روزمره متعهد بوده، از کج رفتاری می پرهیزند تا موقعیت هایی را که به دست آورده اند حفظ کنند (صدیق سروستانی، ۱۳۸۷: ۵۲).

ج- درگیر شدن و مشغولیت در فعالیت های مرسوم روزمره

درگیر شدن و مشغولیت به معنای گذراندن مثبت زمان در فعالیت های مرسوم و مقبول جامعه مانند کار، ورزش، سرگرمی و انجام کارهای خانه است. افرادی که فرصت بیشتری را به چنین فعالیت هایی اختصاص می دهند، فرصت کمتری برای بزهکاری دارند (هیرشی، ۱۹۶۹: ۱۸۷). افراد چنان خود را مشغول همنوایی می کنند که وقتی برای ارتکاب کج رفتاری یا حتی فکر کردن به آن برایشان باقی نمی ماند. درگیر شدن در فعالیت های مربوط به زندگی روزمره همه وقت و انرژی آنها را به خود اختصاص و این خود موجب تقویت تعهد می شود. معمولا کسانی که گرفتار کار، زندگی خانوادگی، سرگرمی و... هستند کمتر فرصت پیدا می کنند که در رفتارهای انحرافی شرکت جویند. برعکس آدم بیکار فرصت های بیشتری جهت رفتار خلاف دارد. یعنی کسانی که کاری ندارند و یا در فعالیت های مرسوم جامعه مشارکتی ندارند، فرصت بیشتری را برای کجروی پیدا می کنند (ستوده، ۱۳۸۵: ۱۳۹).

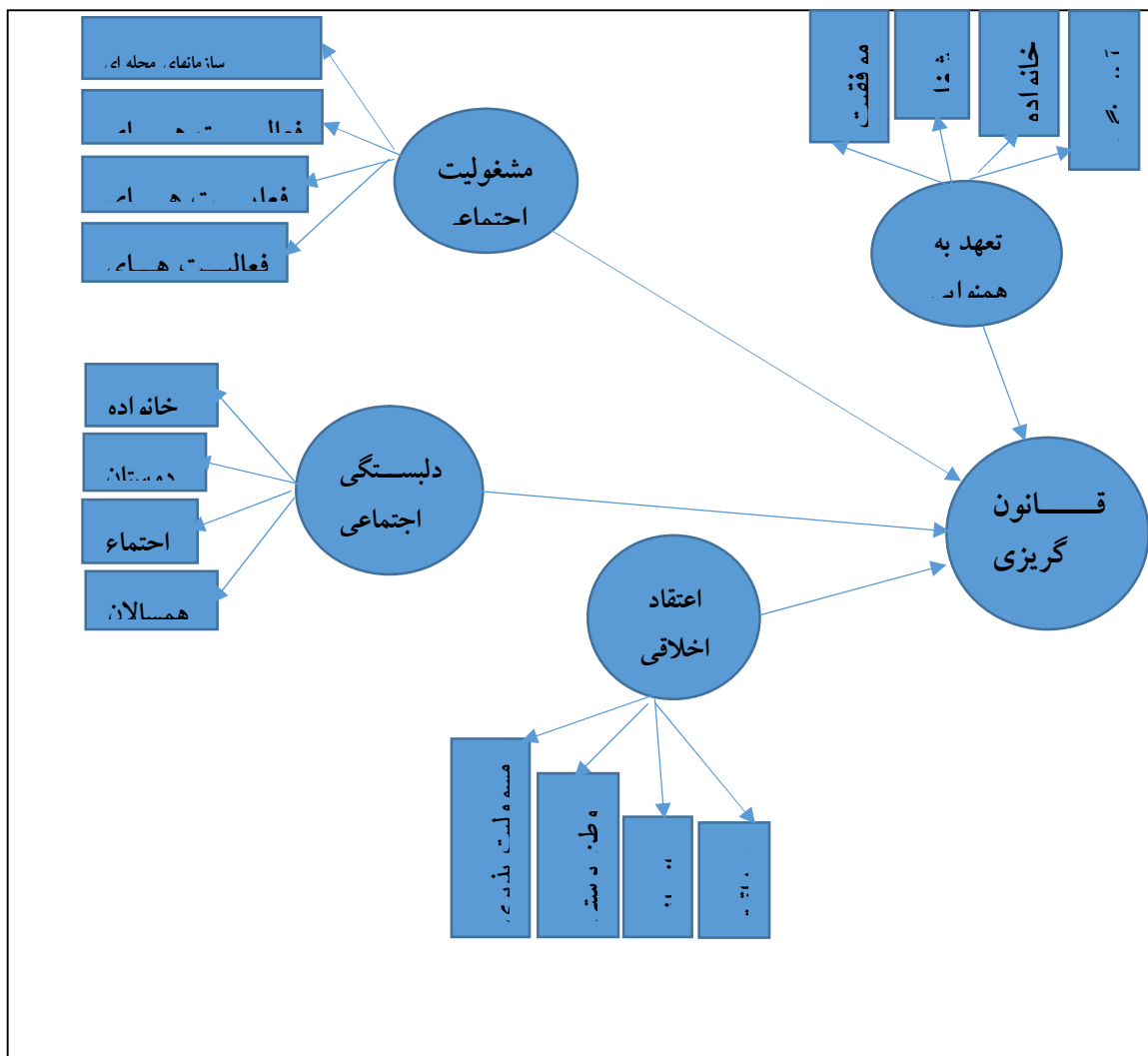
د- اعتقاد به اعتبار اخلاقی هنجارهای جامعه

هیرشی بزهکاری را به معنای ضدیت با اعتقادات و اخلاق مرسوم جامعه نمی داند و بر این اساس کارایی این پیوند را وابسته به کارایی و پایداری دیگر پیوندهای اجتماعی می داند و معتقد است که شخص ضمن آنکه باید از قوانین و سیستم قانونی و حقوقی حمایت کند، همزمان باید آنها را به لحاظ درونی و ذهنی مورد قبول بداند (هیرشی، ۱۹۶۹: ۲۶). اعتقاد افراد به اعتبار اخلاقی نظام هنجارهای اجتماعی و رعایت قوانین و مقررات نیز موجب احساس وظیفه اخلاقی نسبت به دیگران می شود

و ضعف چنین اعتقادی راه را برای کج رفتاری هموار می‌کند (صدیق سروستانی، ۱۳۸۷: ۵۳). هیرشی معتقد است که میزان اعتقاد افراد به هنجارهای اجتماعی و رعایت قوانین متفاوت است. هرچه این اعتقاد در فرد، ضعیف تر باشد بیشتر احتمال دارد که هنجار شکنی کند. وی معتقد نیست که افراد کجرو از قواعد اجتماعی بی اطلاع هستند، بلکه کجروی به میزان قوت و ضعف اعتقاد به هنجارهای اجتماعی مربوط است (بخارایی، ۱۳۹۲: ۵۰۲). بنابراین و بر طبق این رویکرد، بین تعلق خاطر افراد به جامعه، تعهد آنان به امور متداول و زندگی روزمره هم‌نوا با هنجارهای اجتماعی، درگیر شدن آنها در فعالیت‌های مختلف زندگی و اعتقاد به نظام هنجاری جامعه از یک سو و هم‌نوایی آنان با هنجارهای جامعه از سوی دیگر رابطه مستقیم و با احتمال کج رفتاری آنان رابطه معکوس وجود دارد (هیرشی، ۱۹۶۹: ۲۶). بنابراین هیرشی اثربخشی اعتقادات را وابسته به دیگر پیوندها می‌داند و بر این اساس وی از سه نوع پیوند تلفیقی دیگر نام می‌برد که عبارتند از: دل‌بستگی-تعهد، تعهد-درگیر شدن و دل‌بستگی-اعتقاد نام می‌برد که کاربست هم‌زمان، رفتارهای بزهکارانه را قابل تبیین می‌کنند (فرانسیس، ۲۰۱۵: ۷۲).

در شکل زیر در پرتو مبانی نظری، فرایند و عوامل چهارگانه پیوند اجتماعی همراه با بعضی از شاخص‌های عوامل در شکل دهی به کنش انسان به نمایش گذاشته و بر اساس آن، مدل تحلیلی فرضی تحقیق ترسیم می‌شود:

شکل شماره ۱- مدل تحلیلی - مفهومی تحقیق



۴- فرضیه‌های تحقیق

بر اساس الگوی علی مزبور می‌توان فرضیه‌های محوری را به شرح زیر اشتقاق کرد:

فرضیه اصلی

- بین پیوند اجتماعی و قانون‌گزیزی رابطه وجود دارد.
فرضیه های فرعی

- بین میزان مشغولیت اجتماعی و قانون‌گزیزی رابطه است.

- بین میزان دلبستگی اجتماعی و قانون‌گزیزی رابطه است.

- بین میزان اعتقاد اخلاقی و قانون‌گزیزی رابطه است.

- بین میزان تعهد به هم‌نوایی و قانون‌گزیزی رابطه است.

۵- روش تحقیق

۵-۱- روش تحقیق و جامعه آماری: پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی-تبیینی و روش غالب، کمی-پیمایش (Survey) است که به عنوان یک روش پنهانگر استفاده تا داده های تحقیق را از جامعه واقعی جمع آوری کند. در قالب پرسشنامه سوالاتی بر اساس یافته های نظری تحقیق طراحی و گویه ها به گونه های متفاوتی از جمله دوگزینه، اسمی، باز و یا در یکی از سطوح اندازه گیری طراحی و توسعه یافته اند. از آنجایی که تحقیق حاضر پیمایشی است، در زمینه مطالعه رابطه بین متغیرهای پژوهش با قانون‌گزیزی نمونه در بین افراد شهروندان ساکن بالای ۱۸ سال شهرستان اهواز انتخاب شدند. در انتخاب منطقه مربوط به هر خوشه سعی شد از تنوع، پراکندگی و ناهمگونی جمعیت برخوردار باشند که ترکیب و بافت اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی متنوعی را به نمایش بگذارند. در مورد کلیت های اجتماعی عقیده بر این است که اجزاء متشکله آنها می توانند فراهم آورنده اطلاعات مورد نیاز باشد (کیوی و کامپنهود، ۱۳۷۹: ۱۵۳).
انتخاب نمونه‌ها با استفاده از نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی متناسب چند مرحله‌ای صورت گرفته و تلاش شده تا خوشه‌هایی که دارای جمعیت بیشتری می باشند شانس انتخاب نمونه بیشتری داشته باشند، از این رو در هر منطقه بلوک های نمونه و نمونه آماری با احتمال متناسب با جمعیت انتخاب شدند. نمونه‌گیری از نوع طبقه‌ای چند مرحله‌ای است، به این معنا که لیستی از بلوک‌های هر منطقه انتخاب و سپس کوچه‌ای به عنوان نمونه آماری انتخاب و در نهایت در درون هر کدام از کوچه‌های انتخاب شده

به صورت تصادفی پرسشنامه‌های تحقیق توزیع و اطلاعات از افراد هر خانوار جمع-آوری شدند. بدین ترتیب حجم نمونه آماری با سطح اطمینان ۹۶ درصد و خطای ۴ درصد برابر با ۳۹۱ نفر محاسبه شد.

۲-۵- پیش آزمون (pre-test)، اعتبار و روایی تحقیق: در این تحقیق جهت تطابق پرسشنامه با شرایط محیطی خاص و آزمون آن، ابتدا در بین ۶۰ نفر از افراد جامعه آماری مورد نظر توزیع و برای بررسی روایی (Reliability) شاخص‌هایی که متشکل از چند گویه بودند عمدتاً از آلفای کرونباخ (Cranbachs Alpha) استفاده شد.

جدول شماره ۱. ضریب روایی نهایی معرف‌های متغیر وابسته و مستقل

متغیر	مولفه‌ها	تعداد معرف‌ها	نتایج آزمون پایایی
۱- متغیر مستقل: پیوند اجتماعی	۱-۱- دل‌بستگی	۸	۰/۸۲۳
	۲-۱- تعهد	۴	۰/۹۰۱
	۳-۱- مشغولیت	۴	۰/۸۷۰
	۴-۱- اعتقاد	۷	۰/۸۶۸
۲- متغیر وابسته: قانون‌گریزی	۱-۲- قانون‌گریزی عمومی	۸	۰/۸۴۳
	۲-۲- قانون‌گریزی اداری	۶	۰/۷۴۳
	۳-۲- قانون‌گریزی اقتصادی-مالی	۸	۰/۷۴۶
	۴-۲- قانون‌گریزی آموزشی-فرهنگی	۵	۰/۸۲۵
	۵-۲- قانون‌گریزی راهنمایی و رانندگی	۷	۰/۷۶۱

۳-۵- شاخص‌سازی سازه‌های تحقیق

۳-۵-۱- قانون‌گریزی

قانون‌گریزی یک پدیده حقوقی-اجتماعی است که در مقابل قانون‌گرایی قرار دارد. قانون‌گریزی دارای ابعاد و اشکال متعدد و مفهوم عام و گسترده‌تری از قانون‌شکنی دارد. هر قانون‌شکنی قانون‌گریزی است، ولی هر قانون‌گریزی قانون‌شکنی نیست. قوانین و یا اکثر قوانین در هنگام وضع، در پاسخ به نیازهای شناخته شده برای کنترل

اجتماعی به نحو رسمی ایجاد می‌شوند. پس قوانین مجموعه ایستایی از قواعد که از نسلی به نسلی دیگر منتقل می‌شوند نیستند، بلکه انعکاس استانداردهای تحول پذیر صحیح و ناصحیح و چگونگی شناخت تخلفات و جرایم و تعیین مجازات‌ها هستند. در این صورت اگر قوانین پاسخگوی نیازها نباشند، پایداری آنها یا اطاعت از آنها دچار تزلزل می‌شود حتی اگر رفتار مردم قانون شکنی باشد. قانون‌گریزی، حيله نسبت به مقررات است که دارای درجات متفاوت می‌باشد. یکی از درجات آن، تقلب نسبت به قانون است (پروین، ۱۳۹۲: ۱۷۷). قانون‌گریزی معطوف به هنجارهایی است که در جامعه به مثابه کل جریان دارند. از این رو نقطه مقابل ویژگی عمومیت هنجارهای قانونی در جامعه است. بنابراین عدم اطاعت از عرف‌ها و آداب غیررسمی توسط کنشگران اجتماعی خارج از این تعریف قرار می‌گیرند (رضایی، ۱۳۸۵: ۷۰). به طور کلی قانون‌گریزی رفتاری است که از مخالفت با قوانین رسمی جامعه انجام می‌گیرد و قانون‌گریز کسی است که با رفتار خود به صورت آگاهانه و از روی عمد قوانین رسمی جامعه را نادیده می‌گیرد. با توجه به این که همه افراد جامعه در طول زندگی خود از چند قاعده رسمی تخطی می‌کنند و کسانی هم هستند که دائماً قوانین را نادیده می‌گیرند، بنابراین قانون‌گریزی طیفی از رفتار است که از قانون‌گریزی دائمی، خشن و شدید (سرقت، قتل و...) تا قانون‌گریزی گاه‌گاهی، غیرخشن و ضعیف (ندادن مالیات، عبور از چراغ قرمز و...) را در بر می‌گیرد (فیروزجائیان، ۱۳۸۹: ۳۸۵). بر این اساس قانون‌گریزی را بر حسب ویژگی‌های آن و با توجه به ابعاد جامعه به قانون‌گریزی عمومی، اداری، مالی، راهنمایی و رانندگی و فرهنگی-آموزشی تقسیم نمودیم:

۱-۱-۳-۵- قانون‌گریزی عمومی: ناظر به عدم هم‌نوایی اعضای جامعه با هنجارها، اخلاق اجتماعی و قوانین اجتماعی در چارچوب قوانین و انتظارات اجتماعی است. یعنی افراد به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه و به صورت عمد و غیرعمد قواعد والگوه‌های عمل خویش را برخلاف قواعد هنجار عمومی تنظیم می‌کنند و برای رسیدن به اهداف

خویش از هر راهی که ممکن باشد حرکت و عمل می کنند. تحت چنین شرایطی ارزشهای عام مشترک هنجارمند تحت الشعاع ارزشهای ابزاری و منفعت طلبانه قرار می گیرند و افراد نسبت به قواعد و قوانین عام ناظر بر تحقق آنها کم توجه و بی اعتنا می شوند. به بیانی دیگر، شامل آن دسته از اعمال غیرقانونی می شوند که بهبودی عمومی جامعه را تهدید می نمایند و اصول اخلاقی پذیرفته شده را به چالش می کشند (مبارکی و همکاران، ۱۳۸۴: ۹). دامنه و گستره تخلفات این حوزه طیفی از رفتارهای متفاوت همچون "آسیب زدن به اموال عمومی"، "فیلم برداری از مکان های ممنوع" تا "رای دادن چندباره در انتخاباتی"، "استفاده از دفترچه ی درمانی دیگری" و "خرید و فروش یا استفاده از مواد مخدر" را در بر می گیرد.

۵-۳-۱-۲ قانون گریزی اداری: عموماً در جامعه شناسی از قانون گریزی اداری به فساد اداری تعبیر می کنند که عبارت است از سوء استفاده از اداره دولتی که هنجارهای رسمی و غیررسمی را زیر پا می گذارد تا به یک امتیاز غیرقانونی دست یابد، در حالیکه نمی توانست به صورت قانونی به آن دست یابد. فساد اداری تلاش برای کسب ثروت و قدرت از طریق غیرقانونی، سود خصوصی به بهای سود عمومی و سوءاستفاده از قدرت دولتی در جهت منافع شخصی می باشد که به همین خاطر رفتار ضداجتماعی محسوب می شود (ربیعی، ۱۳۸۳: ۴۸). با وجود تعاریف متعدد در مورد فساد اداری، در مورد مصادیق اجماع وجود دارد که می توان به مواردی چون؛ فساد مالی (ارتشاء اختلاس، فساد در خریدهای دولتی از بخش خصوصی)، استفاده شخصی از اموال دولتی، کم کاری یا صرف وقت در اداره برای انجام کارهایی به غیر از وظیفه اصلی، سرقت اموال عمومی، ترجیح روابط بر ضوابط، فساد در شناسایی و مبارزه با قانون شکنی. دامنه تخلفات این حوزه طیفی از کنش و رفتارهای متفاوتی همچون "استفاده از اموال عمومی در محل کار"، "درگیری و بی نظمی در محیط کار" تا "تغییر

متن یا تاریخ نامه اداری"، "ترجیح دادن روابط شخصی و گروهی بر ضوابط قانونی" را در بر می‌گیرد.

۳-۱-۳-۵- قانون‌گزیزی مالی: به اقدامات غیرقانونی و تخلفات آگاهانه یا ناآگاهانه اقتصادی در حوزه کارکنان ادارات، صاحبان شرکت‌ها، یقه سفیدان و به طور کلی افراد داخل جامعه در زمینه حمایت از منافع شخصی و گروهی خود به بهای ضربه زدن به دیگران و نظم عمومی اطلاق می‌شود. این چنین رفتارهایی برخلاف قانون جنایی بوده و بدون توسل به زور و مبتنی بر کسب سود و اضرار به مال غیر صورت می‌گیرند. نمونه این نوع قانون‌گزیزی‌ها؛ گریز از مالیات، خرید و فروش کالای قاچاق، رشوه دادن و کلاهبرداری‌های مالی است. دامنه تخلفات این حوزه طیفی از رفتارهای متفاوت همچون "عدم پرداخت اقساط وام بانکی"، "عدم پرداخت مالیات" تا "استفاده از پول تقلبی"، "خرید و فروش کالای قاچاق" را در بر می‌گیرد.

۳-۱-۴-۵- قانون‌گزیزی راهنمایی و رانندگی: عدم پیروی، تخلف و فقدان تعهد اخلاقی-هنجاری از قوانین راهنمایی و رانندگی عامل بروز آسیب‌های اجتماعی و مشکلات اقتصادی، فرهنگی و... می‌باشد. تخلف در قلمرو قوانین راهنمایی و رانندگی به معنای بی‌توجهی و تجاوز آگاهانه و یا ناآگاهانه، اختیاری یا اجباری رانندگان، سرنشینان، عابران پیاده، ماموران راهنمایی رانندگی و راه‌سازی، دارندگان احشام و به طور کلی افراد جامعه از حدود، مقررات و قوانین مصوب در استفاده از تسهیلات حمل و نقل و ترافیک است (میرفردی و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۱). بنابراین به نقض عمدی و آگاهانه رفتاری و هنجاری از قوانین مربوط به راهنمایی و رانندگی شامل شناخت و درک قواعد، اصول، علایم و وضعیت کلی مربوط به آن از سوی استفاده‌کنندگان، تخلف و قانون‌گزیزی اطلاق می‌شود. دامنه و گستره تخلفات این حوزه طیفی از رفتارهای متفاوت همچون "پارک کردن اتومبیل در مکان‌های ممنون"، "رانندگی کردن

بدون گواهی نامه " تا "درگیری فیزیکی با پلیس"، "گزارش ندادن خسارت به ماشین" را در بر می گیرد.

۵-۳-۱-۵-قانون گریزی فرهنگی-آموزشی:به معنای عدول از کارکردهای نظام آموزشی است که به جامعه پذیری و آشناکردن افراد با ارزشهای جامعه می پردازد. در این وضعیت افراد به جای تبعیت رفتاری از هنجارها و ارزشهای مشروع و مقبول موجود در ارتباط با نظام تحصیلی جامعه، به سرپیچی و عدم اطاعت از آنها می پردازند. به بیانی دیگر قانون گریزی فرهنگی _ آموزشی به معنای مجموعه ای از اعمال غیرمجازی است که توسط افراد مشغول در چنین سیستمی با استفاده از وسایل نامشروع به صورت مخفیانه یا آشکار و به منظور کسب منفعت و دستیابی به اهداف مطلوب برای خود یا دیگری صورت می گیرد. دامنه و گستره تخلفات این حوزه طیفی از رفتارهای متفاوت همچون "تقلب در امتحانات مراکز آموزشی یا دانشگاه"، "برهم زدن نظم عمومی موجود در دانشگاه یا دیگر مراکز آموزشی" تا "برخورد فیزیکی در مراکز فرهنگی و آموزشی"، "بر هم زدن نظم عمومی در مراکز آموزشی و فرهنگی" را در بر می گیرد.

۵-۳-۲-پیونداجتماعی،کنترل اجتماعی غیررسمی: فرض مهم این مفهوم این است که اگر مردم پیوندهای قوی با خانواده، مدرسه، همتایان، مذهب و سایر نهادهای اجتماعی داشته باشند، بیشتر مشغول و درگیر فعالیت های متعارف و مرسوم زندگی اجتماعی و در نتیجه در معرض نظارت و کنترل اجتماعی غیررسمی بیشتری قرار می گیرند. به بیانی دیگر، وجود پیوندهای اجتماعی (Social Ties) موجب تولید اعتماد متقابل، تعهد و همنوایی با نظام هنجاری و ارزشی جامعه می باشد که در نهایت انتظام بخش و مقوم نظم اجتماعی است. بنابراین گریز از قانون و هنجارهای رسمی به حداقل ممکن تنزل یافته و در صورت از هم گسیختگی، تضعیف پیوندهای فرد با جامعه و آزادی از قیود اجتماعی، کنترل اجتماعی کاهش و احتمال وقوع قانون گریزی افزایش می یابد.

۶- یافته‌های تحقیق

۶-۱- توصیف اجمالی نمونه‌ی مورد مطالعه

از بین ۳۹۱ نفر نمونه مورد مطالعه، ۵۱/۹ درصد مرد (۲۰۳ نفر) و ۴۸/۱ درصد زن (۱۸۸ نفر) بوده‌اند. همچنین به لحاظ تاهل، از بین جمعیت پاسخگو ۳۳/۸ درصد مجرد (۱۳۲ نفر) و ۶۶/۲ درصد (۲۵۹ نفر) متاهل بوده‌اند. در رابطه با وضعیت شغلی، ۳۰/۴ درصد (۱۱۹ نفر) دارای شغل دولتی و ۳۸/۱ درصد (۱۴۹ نفر) دارای شغل غیر دولتی بوده‌اند. در ارتباط با گروه‌های سنی، ۳۶/۶ درصد (۱۴۳ نفر) در گروه سنی ۲۷-۱۸ سال، ۲۲/۵ درصد (۸۸ نفر) در گروه سنی ۳۵-۲۸ سال، ۳۱/۵ درصد (۱۲۳ نفر) در گروه سنی ۴۳-۳۶ سال و ۹/۵ (۳۷ نفر) بالاتر از ۴۴ سال سن داشته‌اند. به لحاظ قومیت، ۹/۲ درصد (۳۶ نفر) فارس، ۴۸/۸ درصد (۱۹۱ نفر) عرب، ۳۰/۷ درصد (۱۲۰ نفر) بختیاری از نمونه را تشکیل داده‌اند.

۶-۲- رتبه‌بندی نمره پاسخگویان در زمینه متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق

در جداول زیر توصیف داده‌ها و رتبه‌بندی نمره پاسخگویان در زمینه متغیرهای اصلی تحقیق ارائه شده است:

جدول شماره ۲. توزیع رتبه‌بندی نمره پاسخگویان بر حسب متغیرهای تحقیق

انحراف استاندارد	میانگین از ۵	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	سطح سنجش (درصد) متغیر
۱/۲۷	۱/۹۲	۱۴/۸	۱۵/۳	۳۴/۳	۱۸/۲	۱۷/۴	دلبستگی هنجاری
۱/۳۰	۳/۶۱	۳۶/۶	۱۵/۳	۲۹/۷	۹/۷	۸/۷	تعهد به همنوایی
۱/۳۸	۲/۹۵	۱۵/۳	۲۶/۶	۱۷/۱	۱۹/۹	۲۱	اعتقاد به اعتبار اخلاقی-هنجاری
۱/۱۵	۳/۲۹	۱۷/۱	۲۵/۶	۳۴/۸	۱۴/۱	۸/۴	مشغولیت و درگیر شدن
۱/۲۵	۳/۰۳	۱۵/۱	۱۹/۲	۳۴/۵	۱۷/۶	۱۵/۶	قانون‌گریزی عمومی
۱/۱۳	۲/۹۵	۱۲/۵	۱۳/۸	۳۹/۶	۲۴	۱۰	قانون‌گریزی مالی-اقتصادی
۱/۱۵	۲/۷۳	۹	۱۲/۳	۳۹/۹	۲۱/۲	۱۷/۶	قانون‌گریزی اداری
۱/۲۶	۲/۴۷	۷/۸	۱۳/۹	۲۶/۶	۲۱/۳	۳۰/۵	قانون‌گریزی فرهنگی-آموزشی
۱/۲۳	۳/۰۵	۱۸/۴	۱۴/۱	۲۹/۹	۲۸/۹	۸/۷	قانون‌گریزی راهنمایی-رانندگی
۱/۳۰	۳/۰۳	۱۵/۵	۲۲/۷	۲۷/۴	۱۷/۷	۱۶/۶	شاخص ترکیبی قانون‌گریزی

در خصوص ابعاد متغیر مستقل می‌توان گفت که در مجموع پاسخگویان بیشترین نمره را به تعهد به همنوایی (با میانگین ۳/۶۱) اختصاص داده‌اند؛ یعنی به سرمایه‌گذاری، صرف وقت بیشتری را در این حوزه‌هایی چون تحصیلات، شغل و خانواده صرف کرده‌اند و این نوع سرمایه‌گذاری را ابزاری مفید و کارا جهت کسب موقعیت بالاتر و

موفقیت در آینده می بینند. در مقابل، پایین ترین نمره مربوط به بعد دلبستگی هنجاری (با میانگین ۱/۹۲) می باشد؛ یعنی افراد در ارتباط با مسوولیت اجتماعی، پیوند عاطفی مثبت، رفاه جمعی و تمایلات جمعی کمتر احساس مسولیت کرده و از شبکه اتصالات اجتماعی (communal network of connectivit) و انسجام اجتماعی زیادی برخوردار نبوده اند. نتایج در ارتباط با ابعاد متغیر وابسته حاکی از آن است که تقریباً تمام ابعاد نمره بالاتر از میانگین به خود اختصاص داده و بیشترین و کمترین حوزه ای که در آن پاسخگویان مرتکب قانون‌گزیزی شده اند به ترتیب قانون‌گزیزی راهنمایی-رانندگی (میانگین ۳/۰۵) و فرهنگی-آموزشی (میانگین ۲/۴۷) بوده است. همچنین میانگین شاخص ترکیبی قانون‌گزیزی ۳/۰۳ و بیشترین درصد متعلق به سطح سنجش متوسط (۲۷/۴ درصد) است که به طور کلی حاکی از میزان ارتکاب قانون‌گزیزی قابل اعتنا و تامل در بین شهروندان مورد مطالعه می باشد.

۶-۳- آزمون فرضیه ها

همانگونه که داده های جدول شماره ۳ به تفکیک متغیرهای زمینه ای در خصوص قانون‌گزیزی نشان می دهند، بین متغیرهای وضعیت تاهل، جنسیت، وضع درآمد و وضعیت شغلی رابطه معناداری وجود دارد. مقایسه میانگین ها نشان می دهند که مجردها (با میانگین ۸۸/۳۲) قانون‌گريزتر از متاهل ها (با میانگین ۷۱/۸۴) می باشند. همچنین نتیجه حاکی از آن است که مردها (با میانگین ۹۶/۷۶) با اختلاف زیاد و تقریباً دو برابری گریز از قانون بیشتری نسبت به زن ها (با میانگین ۵۰/۴۷) داشته اند. همچنین افرادی که از سطح درآمد پایین و کمتر از یک میلیون برخوردارند (با میانگین ۸۶/۳۰) مرتکب قانون‌گزیزی بیشتری نسبت به افراد با سطح درآمد بالای یک میلیون (با میانگین ۶۶/۸۶) شده اند. بر اساس اطلاعات جدول، افراد دارای شغل دولتی (با میانگین ۸۶/۱۵) قانون‌گريز بیشتری نسبت به افراد دارای شغل آزاد (با میانگین ۷۰/۶۲) داشته اند. نیز مشخص شد کسانی که تجربه مجرمانه داشته اند با

اختصاص نمره میانگین بیشتر از دو برابر (۱۲۳/۹۲) به خود نسبت به افرادی که تجربه غیرمجرمانه داشته اند (با میانگین ۵۸/۸۳)، قانون گریزی بیشتری مرتکب شده اند.

جدول شماره ۳. تفاوت شاخص ترکیبی قانون گریزی به تفکیک متغیرهای زمینه ای

متغیرها	فراوانی	میانگین قانون گریزی	انحراف معیار	F	میزان T	معناداری
وضعیت تاهل	مجرد	۱۰۲	۸۸/۳۲	۴۴/۴۴	۳/۲۹	۰/۰۰۱
	متاهل	۲۵۹	۷۱/۸۴	۴۲/۲۲		
جنسیت	مرد	۲۰۳	۹۶/۷۶	۴۶/۵۴	۱۱/۸۲	۰/۰۰۰
	زن	۵۸	۵۰/۴۷	۱۸/۰۹		
وضعیت درآمد	زیر یک میلیون	۱۷۹	۸۶/۳۰	۵۴/۰۴	۴/۳۵	۰/۰۰۰
	بالای یک میلیون	۱۸۲	۶۶/۸۶	۲۶/۳۰		
وضعیت شغلی	دولتی	۱۱۹	۸۲/۲۹	۵۹/۴۷	۱/۴۹	۰/۰۰۰
	غیردولتی	۱۱۹	۷۳/۲۴	۲۸/۹۲		
تجربه مجرمانه	بلی	۹۸	۱۲۳/۹۲	۴۶/۴۳	۱۶/۹۷	۰/۰۰۰
	خیر	۲۶۳	۵۸/۸۳	۲۵/۲۹		

متغیر مستقل مربوط به پیوند اجتماعی در اینجا مشتمل بر ابعادی چون دلبستگی هنجاری، تعهد به همنوایی، اعتقاد به اعتبار اخلاقی هنجارهای جامعه و مشغولیت و درگیر شدن در فعالیت های مرسوم اجتماعی می باشد که در یک عامل به نام پیوند اجتماعی ادغام شده و رابطه آنها با متغیر وابسته و ابعاد آن با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون در قالب جدول زیر آورده می شود:

جدول شماره ۴. ضرایب همبستگی بین متغیر مستقل و قانون‌گزیزی

متغیر وابسته متغیر مستقل	قانون گزیزی عمومی	قانون گزیزی اداری	قانون گزیزی اقتصادی- مالی	قانون گزیزی آموزشی- فرهنگی	قانون گزیزی راهنمایی و رانندگی	شاخص ترکیبی قانون گزیزی
پیوند اجتماعی	-۰/۳۳۲** ۰/۰۰۰	-۰/۱۳۲** ۰/۰۰۹	-۰/۰۸ ۰/۰۹	-۰/۲۹۴** ۰/۰۰۰	-۰/۱۹۹** ۰/۰۰۰	-۰/۲۳۳** ۰/۰۰۰

$P < .05^*$

$p < .01^{**}$

نتایج حاصل از آزمون پیرسون جدول شماره ۴ بیانگر آن است که رابطه معناداری میان پیوند اجتماعی با ابعاد قانون‌گزیزی مانند عمومی، اداری، آموزشی-فرهنگی، راهنمایی-رانندگی و شاخص ترکیبی کل قانون‌گزیزی وجود دارد. ضرایب همبستگی متغیرها به ترتیب برابر با $-۰/۳۳۳$ ، $-۰/۱۳$ ، $-۰/۲۹$ ، $۰/۱۹$ و $۰/۲۳$ می باشد که همبستگی معکوس می باشد؛ به صورتی که هرچه میزان پیوند اجتماعی، روابط عاطفی فردی-بین فردی و یا مواضع شبکه ای (Network Positions) شخص بیشتر باشد، قواعد هنجاری و ارزشی در نزد شخص واجد اقتدار و قداست جمعی می شوند و این وضعیت موجبات پیوند و پیوستگی فرد با جامعه را فراهم و در نتیجه میزان ارتکاب قانون‌گزیزی کمتر می شود. بنابراین می توان نتیجه گرفت که کم و کیف پیوند اجتماعی و تاثیرگذاری دیگران در هنجارپذیری، تعریض و تعمیم قانون‌گرایی تاثیر دارد. پس با توجه به نتایج و سطح معناداری کمتر از $۰/۰۱$ فرضیه تحقیق مبنی بر وجود رابطه بین پیوند اجتماعی و قانون‌گزیزی تأیید می-شود.

جدول شماره ۵. وزن خالص و ناخالص هریک از ابعاد متغیر مستقل بر قانون گریزی

نتایج آزمون تحلیل رگرسیون درباره ابعاد پیوند اجتماعی بر قانون گریزی (شاخص ترکیبی) Method=Septwise					ضرایب استاندارد و غیراستاندارد درباره ابعاد پیوند اجتماعی بر قانون گریزی (شاخص ترکیبی)				
Sig	F	.adjR ²	R ²	R	Sig	T	Beta	b	متغیرهای داخل معادله
					۰/۰۰۰	۱۴/۲۴۸	---	۱۱۹/۸۴۰	مقدار ثابت
۰/۰۰۰	۱۸/۶۳	۰/۱۵	۰/۱۵	۰/۳۸	۰/۰۰۰	-۴/۱۹۹	-۰/۲۷۱	-۲/۵۷۵	مشغولیت اجتماعی
					۰/۰۰۰	-۵/۲۴۰	-۰/۲۱۶	-۰/۲۱۷	اعتقاد به اعتبار اخلاقی-هنجاری

جدول شماره ۵ سهم نسبی ابعاد متغیر مستقل و منعکس کننده ی تنها ابعادی است که در الگوها باقی ماندند، شاخص کلی قانون گریزی به عنوان متغیر وابسته تحقیق را گزارش می کند. یافته ها حاکی از این است که در میان ابعاد متغیر مستقل باقیمانده در معادله، بعد مشغولیت اجتماعی و درگیر شدن در فعالیت های مرسوم و متداول جامعه بیشترین سهم را در توضیح قانون گریزی به عهده دارد. و این در واقع یکی از فرضیه های محوری پژوهش حاضر را تأیید می کند. بدین معنا که هر چه افراد جامعه بیشتر مشغول در فعالیت های رسمی و غیررسمی جامعه شوند، بیشتر با جامعه و نهادهای داخل آن پیوند می خورند و در نتیجه خود را بیشتر جزئی از جامعه و اجتماع ملی می دانند و بر آن اساس سعی در تعریض و تحکیم هنجارهای اجتماعی داشته و احساس تکلیف بیشتری در راستای انجام آنها خواهند داشت. در این صورت آمادگی عمل بیشتری دارند تا به انجام کنش و سلوک اجتماعی هنجارمند در انجام امور روزمره خود پردازند و در قبال جامعه احساس مسوولیت می کنند. به دنبال آن بعد اعتقاد به اعتبار اخلاقی هنجارهای جامعه قرار می گیرد که به ترتیب دارای تاثیر معنادار بر قانون گریزی می باشد. این یافته ها به این نکته مهم اشاره دارند که هرچقدر فرد حائز پیوندهای قوی (strong Ties) اجتماعی و شبکه اتصال اجتماعی (communal network of connectivity) قوی باشد، به همان نسبت در معرض نظارت اجتماعی، انسجام و انطباق بیشتر از سوی اطرافیان و با جامعه قرار می گیرد و در نتیجه احساس

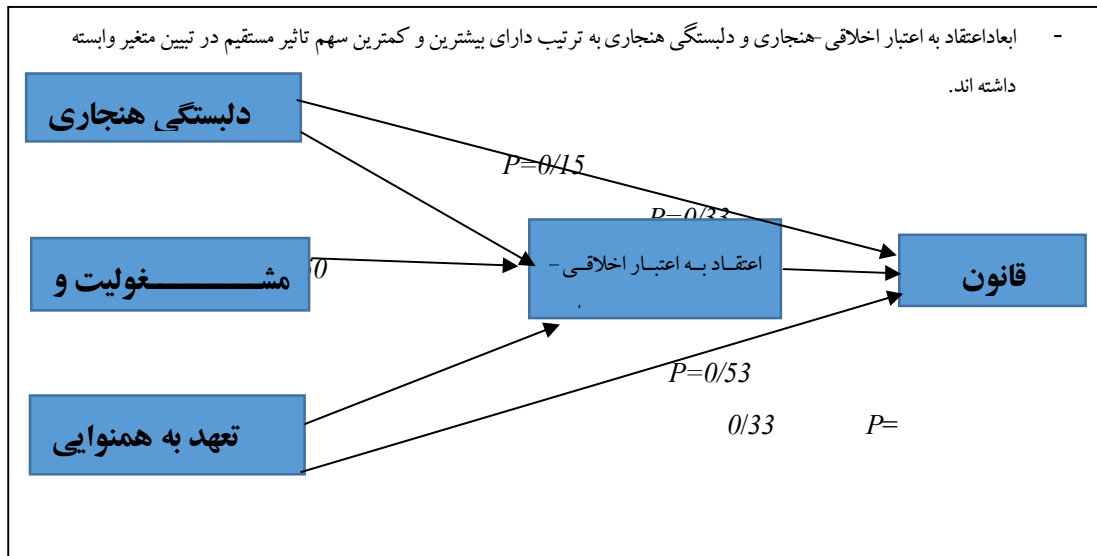
آنومی فردی و جمعی کمتری دچار می‌شود و آمادگی بیشتری دارد تا قانون و حقوق جامعه و افراد را در رفتار خود رعایت کند. ضریب تعیین (R^2) به دست آمده در ارتباط با قانون‌گزینی برابر با ۰/۱۵ می‌باشد. این یافته بدین معناست که ابعاد متغیر پیوند اجتماعی وارد شده به معادله تنها توانسته ۱۵ درصد از واریانس تغییرات مربوط به متغیر وابسته را تبیین کند. با توجه به نتایج، می‌توان معادلات رگرسیونی استاندارد را به شرح زیر نوشت:

قانون‌گزینی = مشغولیت اجتماعی (۰/۲۷۱) + اعتقاد به اعتبار اخلاقی - هنجاری (۰/۲۱۶)

ارقام مندرج در معادله به این معناست که با افزایش یک واحد انحراف استاندارد در متغیر مستقل (مثلاً مشغولیت اجتماعی و سرمایه‌گذاری در اجتماع یک درصد)، انجام رفتار قانون‌گريزانه به اندازه ۰/۲۷ انحراف استاندارد کاهش می‌یابد. در اینجا ملاحظه می‌شود که مجموعه ابعاد پیوند اجتماعی باقیمانده در معادله در چارچوب مفهومی مورد توجه توانسته اند در مجموع سهم قابل قبولی (۰/۱۵) از تغییرات شاخص کلی قانون‌گزینی را تبیین و قابل پیش‌بینی کنند.

۶-۴- تحلیل مسیر (Path Analysis)

مدل شماره ۲. دیاگرام مسیر که بر اساس یافته‌های تجربی پژوهش تنظیم شده است.



همان طور که دیاگرام مسیر نشان می‌دهد بعد اعتقاد به اعتبار اخلاقی-هنجاری بالاترین سهم را بر نمره قانون‌گریزی دارد. میزان تاثیر این متغیر ۰/۵۰ است. یعنی درونی و ذهنی شدن هنجارها و ارزشهای اجتماعی موجب تغییر در نمره و نیز میزان رفتار قانون‌گريزانه می‌شود. به عبارتی هرچه افراد هنجارهای اجتماعی را به لحاظ ذهنی مورد پذیرش قرار بدهند، تعلق خاطر بیشتری به جامعه، افراد و زندگی روزمره پیدا و همنوایی بیشتری داشته و لذا احساس وظیفه اخلاقی در قبال دیگران و جامعه می‌کنند. تعهد به همنوایی نیز به عنوان دومین تبیین‌کننده متغیر وابسته با ضریب ۰/۳۳ نشان می‌دهد که هرچه افراد علاقه مند و سازگار با آرمانها و اهداف متداول و مرسوم جامعه باشند، سرمایه‌گذاری بلندمدت بیشتر و صرف وقت زیادتری جهت حصول و کسب اهداف می‌کنند و اساساً دستیابی به آرمانهای اجتماعی را به عنوان یک ابزاری جهت کسب منزلت و حسن شهرت می‌کنند و سرانجام کنش‌های قانون‌گريزانه بیشتر می‌شود. به بیانی دیگر، هرچه میزان پیوند اجتماعی، شبکه‌تعاملات و مواضع شبکه‌ای فرد با جامعه افزایش یابد نمره قانون‌گريزی نیز افزایش می‌یابد. بعد مشغولیت و درگیر شدن اجتماعی نیز به طور غیرمستقیم و از طریق بعد اعتقاد به اعتبار

اخلاقی-هنجاری بر قانون‌گزیزی تاثیر دارد. برای محاسبه ضرایب تاثیر مستقیم و غیرمستقیم هر یک از متغیرها، تمام مسیرهایی که به طور مکنون با متغیر وابسته ارتباط می‌یابد در همدیگر ضرب می‌شود. بر این اساس تاثیر کل بعد دلبستگی هنجاری بر قانون‌گزیزی برابر است با تاثیر دلبستگی هنجاری و تاثیر اعتقاد به اعتبار اخلاقی-هنجاری بر قانون‌گزیزی. برای به دست آوردن اثر کل بعد دلبستگی هنجاری، کافی است اثر مستقیم را با اثر غیرمستقیم جمع کنیم: $0/31 = 0/15 + 0/16$

۷- بحث و نتیجه‌گیری

نظم اجتماعی یک ارزش متعالی و همگانی است که زمینه فعالیت همه افراد جامعه را فراهم می‌کند. حفظ نظم اجتماعی مستلزم حاکمیت موثر قانون، هنجارهای سنتی، شبکه‌های چندگانه، مواضع شبکه‌ای و وجود شبکه‌ای از روابط چندگانه متقابل بین اعضای واحدهای مختلف جامعه مدنی و شهروندان است. در نبود نظم اجتماعی و قانون، هرج و مرج اجتماعی گسترش و شرایط و فرصت برای انواع مختلف بزهکاری، کژرفتاری و انواع فساد فراهم می‌شود. قانون‌گزیزی نوعی گرایش، تمایل منفی و جهت‌گیری (**Orientation**) ناهم‌نویانه نسبت به قوانین رسمی و هنجارهای قانونی حاکم در جامعه است که شخص قانون‌گیز به صورت آگاهانه و به عمد سعی در سرپیچی، شکستن و عدم اطاعت از آن‌ها دارد. جهت تدقیق بیشتر، مساله تحقیق را به حوزه‌های چندگانه قانون‌گزیزی عمومی، اداری، مالی، راهنمایی و رانندگی و فرهنگی-آموزشی تقسیم نموده و تحقیق حاضر به هدف آزمون تجربی نظریه پیوند اجتماعی هیرشی و به دنبال پاسخ به این سوال اصلی بود که "آیا بین پیوند اجتماعی و قانون‌گزیزی رابطه است؟". جدول توزیعی نمرات پاسخگویان نشان داد که بیشترین نمره را به بعد تعهد به هم‌نوایی (با میانگین ۳/۶۱) اختصاص داده‌اند؛ یعنی به سرمایه‌گذاری و وقت بیشتری را در حوزه‌هایی چون تحصیلات، شغل و خانواده صرف کرده‌اند. در مقابل، پایین‌ترین نمره مربوط به بعد دلبستگی هنجاری (با میانگین ۱/۹۲)

می باشد؛ یعنی افراد در ارتباط با مسوولیت اجتماعی، پیوند عاطفی مثبت، رفاه جمعی و تمایلات جمعی کمتر احساس مسوولیت کرده و انسجام اجتماعی زیادی برخوردار نبوده اند. نتایج ابعاد متغیر وابسته حاکی از آن است که تقریباً تمام ابعاد نمره بالاتر از میانگین به خود اختصاص داده و بیشترین و کمترین حوزه ای که در آن پاسخگویان مرتکب قانون گریزی شده اند به ترتیب قانون گریزی راهنمایی-رانندگی (میانگین ۳/۰۵) و فرهنگی-آموزشی (میانگین ۲/۴۷) بوده است. همچنین میانگین شاخص ترکیبی قانون گریزی ۳/۰۳ و بیشترین درصد متعلق به سطح سنجش متوسط (۲۷/۴ درصد) می باشد که به طور کلی حاکی از میزان ارتکاب قانون گریزی قابل اعتنا و تامل در بین شهروندان مورد مطالعه می باشد. میانگین ها نشان می دهند که مجردها قانون گریزتر از متاهل ها، مردها با اختلاف زیاد و تقریباً دو برابری گریز از قانون بیشتری نسبت به زن داشته و این نتایج با یافته های فیروزجائیان (۱۳۸۹) و حیدری و همکاران (۱۳۹۱) همسو می باشد. و نیز برخلاف یافته های فیروزجائیان (۱۳۸۹) مشخص شد که افراد دارای شغل دولتی (با میانگین ۸۶/۱۵) قانونگریزی بیشتری نسبت به افراد دارای شغل آزاد (با میانگین ۷۰/۶۲) داشته اند و این خود شاید یافته ای جدید باشد مبنی بر اینکه مطالعه قانون و قانون گریزی از ویژگی پیچیده ای برخوردار است و بر خلاف دیدگاه های رایج داشتن شغل رسمی-دولتی الزاماً به معنای همنوایی و همراهی با قوانین نیست و باید همزمان ضمن آموزش عمومی افراد جامعه، به نظارت و مکانیسم های ضمانت اجرا در ارتباط با اجرای درست قانون توسط مجریان توجه کرد. به بیانی دیگر، باید به خود قانون، اجرای قانون، مجریان قانون، تصمیم سازان قانونی، نهادهای مجری و مسوول قانون توجه نشان داد. اما نتایج نشان داد افرادی که از سطح درآمد پایین و کمتر از یک میلیون برخوردارند (با میانگین ۸۶/۳۰) مرتکب قانون گریزی بیشتری نسبت به افراد با سطح درآمد بالای یک میلیون (با میانگین ۶۶/۸۶) شده و در این رابطه با تحقیق حیدری و رضادوست (۱۳۹۱) ناهمسو است. بر اساس اطلاعات جداول همچنین مشخص شد

کسانی که تجربه مجرمانه داشته اند با اختصاص نمره میانگین بیشتر از دو برابر (۱۲۳/۹۲) به خود نسبت به افرادی که تجربه غیرمجرمانه داشته اند (با میانگین ۵۸/۸۳)، قانون‌گریزی بیشتری مرتکب شده اند. در سطح تحلیل دو متغیری با توجه به نتایج آزمون‌های آماری رابطه قانون‌گریزی با اغلب ابعاد متغیرهای مدل فرضی مورد تأیید قرار گرفت، ولی در تحلیل‌های چندمتغیری حدود ۳ بعد در معادله باقی ماند که ترکیب آنها در مدل نظری به دست آمد. یافته‌های منتج از رگرسیون به این نکته مهم اشاره داشتند که هرچقدر فرد حائز پیوندهای قوی اجتماعی و شبکه اتصال اجتماعی قوی با جامعه باشد، به همان نسبت در معرض نظارت اجتماعی، انسجام و انطباق بیشتر از سوی اطرافیان و با جامعه قرار می‌گیرد و در نتیجه احساس آنومی فردی و جمعی کمتری دچار می‌شود و آمادگی بیشتری دارد تا قانون و حقوق جامعه و افراد را در رفتار خود رعایت کند. بنابراین فرضیه محوری و سوال اصلی تحقیق مبنی بر اینکه:

بین میزان پیوند اجتماعی و قانون‌گریزی رابطه وجود دارد؛ مورد تأیید قرار گرفت. این نتایج با یافته‌های گودفرسون و همکاران (۱۹۹۰)، لانگشر و همکاران (۲۰۰۴)، جانگر و همکاران (۱۹۹۷) و عبداللهی (۱۳۷۸) همسویی بسیار بالایی دارد. بدین معنا که پیوند اجتماعی عنصر اصلی تشکیل دهنده سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی مجموع‌ای از منابع بالقوه و بالفعل و شبکه‌ی تعاملات در دسترس فرد است که به واسطه آن شخص با اطرافیان و دیگران ارتباط و پیوند برقرار و ارتباطات اجتماعی رسمی و غیررسمی تسهیل می‌شود. پیوند اجتماعی و روابط اجتماعی و وجود آن امکان شکل‌گیری همبستگی گروهی، اعتماد کنندگی (Trusting Behavior) و اعتمادپذیری (Trustworthiness) کنشگران اجتماعی نسبت به هم، دلبستگی و تعلق خاطر فرد نسبت به جمع، اخلاق مسئولیت (Responsibility Ethic)، تعهد فرد به جمع و احساس تکلیف بیشتری برای فرد در راستای انجام تعهدات اجتماعی (Social

Commitment) مهیا و در نتیجه سازوکار کنترل و نظارت اجتماعی جهت سمت دهی به سلوک اجتماعی افزایش می یابد. همچنین نباید از نقش شاغلین در ادارات و نهادهای رسمی و مجموعه مکانیسم های ضمانتی (پاداش و تنبیه) در مورد اجرای قانون غافل شد؛ چرا که بسیاری از کنش های قانون گریزانه توسط خود همین مجریان رسمی قانون و یا به صورت قانونی در نهادهای رسمی نهادینه شده است. کلام واپسین اینکه در فقدان قانون در جامعه و پیوند اجتماعی افراد با جامعه، شرایط برای بروز رفتارها و کنش های جامعه گریزی، انواع کژرفتاری، انواع جرایم، رفتارهای هیجانی، آنومی اجتماعی و به طور کلی انواع قانون گریزی در تمام حوزه های جامعه و در همه سطوح فراهم می شود.

۷- پیشنهادهای تحقیق

با امعان نظر در نتایج و یافته های تجربی پیشنهادهایی به شرح ذیل ارائه می گردد:

- وجود شبکه تعاملات (رسمی و غیررسمی) اجتماعی و پیوندهای انضمامی (Concrete Ties) افراد با خانواده، گروه های اجتماعی ساختاری و طبقه بندی شده، گروه های کاری و.. و به طور کلی مجموعه ی گره ها و شبکه های تعاملی در انسجام و پیوستگی فرد با جامعه و تنظیم کنش وی موثر است.

- یکی از ابعاد مهم نظریه پیوند اجتماعی، درگیر شدن و مشغولیت اجتماعی در فعالیت های مرسوم و متداول جامعه مانند کار و شغل است، و افرادی که به چنین فعالیت های مادی می پردازند کمتر فرصت قانون گریزی دارند، بنابراین جا دارد شرایط مشغولیت اجتماعی همچون ازدواج، اشتغال توأم با نظارت افراد فراهم گردد؛ چونکه داشتن شغل بدون نظارت و یا همزمان نداشتن شغل در نبود کنترل و نظارت اجتماعی از وجه مشترکی برخوردارند و به صور مختلف می تواند شرایط

را برای قانون شکنی تسهیل کند از جمله: طرد اجتماعی، محرومیت مادی و محرومیت از استفاده از قابلیت های فردی. در نتیجه عدم فرصت برای پیوند فرد با گروه های شغلی مانع از تولید هویت جمعی، تعهد جمعی و نظارت بیرونی نسبت به خود می کند و شرایط برای قانون شکنی بیشتر می شود.

- با توجه به بعد تعهد به همنوایی، ارتقا سطح توسعه فرهنگی و تعمیم زبان و فهم مشترک و همگانی از اعیان فرهنگی و اجتماعی نظیر قانون و قواعد حقوقی در جامعه به شیوه ای خردمندانه و قابل قبول برای همگان که به تقویت حس مثبت و تعهد و تکلیف در برابر هنجارهای قانونی بی انجامد.

- قانون‌گزیزی همزمان هم علت و هم نتیجه کاهش سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی، نقاط اتصال و گره های به هم پیوسته و نیز پیوندهای اجتماعی در جامعه می باشد. کاهش سرمایه اجتماعی موجب اختلال در نظام کنشی و تعاملات درون گروهی و بین گروهی و به طور کلی عدم تعهد فرد نسبت به هنجارهای رسمی و غیررسمی جامعه می شود. از آنجائی که به باور اندیشمندان متعدد شاهد تخریب و فرسایش سرمایه اجتماعی در ایران هستیم، باید ضمن جلوگیری از فرسایش بیشتر آن، به تقویت و اعتماد تعمیم یافته در قسمت هایی همچون تنظیم و تصویب قانون، اجرای قانون، حاکمیت قانون و... پرداخت.

- در پرتو بعد اعتقاد به اعتبار اخلاقی-هنجارهای اجتماعی و از آنجائیکه قانون یک امر و میثاق ملی است که توسط دولت و هیئت حاکمه به عنوان ابزار کنترل رسمی اجتماعی به کار گرفته می شود و ضمانت اجرایی پیدا می کند، باید به عنوان مکانیسم انسجام اجتماعی نگریسته و شکل گیری این وضعیت منوط به بسترسازی و همکاری مردم از طریق نهادهای مدنی و عضویت در آنها است که در نهایت منجر به مفاهمه و وفاق فرهنگی و اجتماعی شود.

منابع

- احمدی، حبیب(۱۳۹۵). جامعه شناسی انحرافات، تهران، نشر سمت.
- اسکید مور، ویلیام(۱۳۷۲). تفکر نظری در جامعه شناسی، ترجمه رجبزاده و دیگران، تهران، نشر سفیر.
- بخارایی، احمد(۱۳۹۲). جامعه شناسی انحرافات اجتماعی در ایران، تهران، نشر جامعه شناسان.
- پروین، فرهاد(۱۳۹۲). قانونگریزی، نقض متقابل حقوق شهروندی، مجله پژوهش های اجتماعی اسلامی، سال نوزدهم، شماره دوم (پیاپی ۹۷)، تابستان. صص ۱۷۵-۱۸۶.
- حیدری، آرش، رضادوست، کریم و فروتن کیا، شهر روز(۱۳۹۱). نظریه از هم گسیختگی نهادی و قانونگریزی: مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز، فصلنامه مسائل اجتماعی ایران، سال سوم، شماره ۲، زمستان، صص ۳۹-۵۲.
- دانایی فرد. حسن، آذر، عادل و صالحی، حسن(۱۳۸۹). قانونگریزی در ایران: تبیین نقش عوامل سیاسی، اقتصادی، قانونی، مدیریتی و اجتماعی - فرهنگی، فصلنامه دانش انتظامی، سال یازدهم، شماره سوم، صص ۷-۶۵.
- دیانا، کندال(۱۳۹۲). جامعه شناسی معاصر، فریده همتی(مترجم)، تهران، نشر جامعه شناسان.
- رضایی محمد، عباداللهی، حمید(۱۳۸۵). جامعه بی انضباط؛ فراتحلیل قانونگریزی در ایران، فصلنامه مطالعات ملی، ۲۷، سال هفتم، شماره ۳. صص ۶۷-۹۲.
- ربیعی، علی(۱۳۸۳). زنده باد فساد. تهران، نشر سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ستوده، هدایت الله(۱۳۸۵). آسیب شناسی اجتماعی، تهران. نشر آوای نور.

- شجاعی زند، علیرضا(۱۳۷۹). "نظم ستیزی و قانون‌گزیزی"، امنیت، شماره ۱۴، مرداد و شهریور، صص ۳۲-۳۴.
- شلاپنتوخ، ولادیمیر(۱۳۹۵). نظم اجتماعی در جامعه معاصر، ترجمه اصغر صارمی شهاب، نشر جامعه شناسان، چاپ اول.
- صدیق سروستانی، رحمت الله (۱۳۸۷). آسیب شناسی اجتماعی، تهران.نشر سمت.
- عبداللهی، محمد(۱۳۷۸). موانع قانون‌گزیزی و راههای مقابله با آن، در قانون‌گرایی و فرهنگ عمومی، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
- فیروزجائیان، علی اصغر(۱۳۸۹). قانون‌گزیزی(تحلیلی از منظر نظریه عدالت رویه ای)، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، سال یازدهم شماره ۴۲.صص ۳۸۱-۴۱۰.
- کلانتری، صمد، ربانی، رسول و صداقت، کامران(۱۳۸۴).ارتباط فقر با قانون‌گزیزی و شکل‌گیری آسیب اجتماعی، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال پنجم، سال ۱۸. صص ۲۳-۱.
- کیوی، ریمون و کامپنهود، لوک وان(۱۳۷۹). روش تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران.نشر توتیا.
- گرث، هانس و رایت میلز، سی(۱۳۸۰).منش فرد و ساختارهای اجتماعی(روانشناسی نهادهای اجتماعی)،اکبر افسری(مترجم)،تهران، نشر آگه.
- مبارکی، محمد(۱۳۸۴).بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و جرم، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه جامعه شناسی.
- محسنی، منوچهر(۱۳۸۶). بررسی در جامعه شناسی فرهنگی ایران، تهران، نشر پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

- معیدفر، سعید(۱۳۸۰). نابسامانی اجتماعی یا سازگاری عرفی، نامه انجمن جامعه شناسی، شماره ۳، ویژه نامه دومین همایش مسایل اجتماعی ایران(۱) ص ص ۸۳-۱۰۱.
- میرفردی، اصغر؛ احمدی، سیروس؛ امیری، راضیه(۱۳۹۲). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و آگاهی ترافیک با نظم گریزی عابران پیاده(مورد مطالعه: شهر یاسوج)، فصلنامه پژوهش های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال دوم، شماره پیاپی ۶، شماره دوم، پاییز و زمستان، صص ۲۵-۴۰.
- ممبینی، ایمان(۱۳۹۳) دلایل افزایش جمعیت کیفری زندان های استان خوزستان، سازمان زندان ها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور، اداره کل زندان های خوزستان.

- Agnew, R.& Brezina, T.(1997). Relational problems with peers, gender and delinquency, *Youth and Society*,2984-111.
- Agnew, R, & White, H. R.(1992).An empirical test of general strain theory. *Criminology*, 30,474-499.
- Akers,R.L,&Cochran,J.K(1985)Adolescent Marijuna use:A test of tree theories of deviant behavior.*Deviant Behavior*,6,323-346.
- Cernkovich,S.A, &Giordano,P.(1992).School bonding,race, and delinquency. *Criminology*,30,201-291.
- Franzese,Robert,j(2015),The sociology of deviance;differences,tradition, and stigma,publisher.LTD,SPRINGFIELD.ILLINOIS.
- Gibbs, J. J, Giever, D., & Higgins, G. F. (2003). A test of Gottfredson and Hirschi's general theory using structural equation modeling. *Criminal Justice and Behavior*, 30, 441-457.
- Gottfredson, M. R, & Hirschi, T.(1990).A general theory of crime. Standford, CA: Standford University Press
- Hirschi,T(1969).Causes of delinquency.Berkeley,CA;university of California Press.
- Junger, M.& Marshall, I. H.(1997). The inter-ethnic generalizability of social control theory: An empirical test. *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 34, 79-112.

-Longshore, D, Chang, E., Hsieh, S. C., & Messina, N.(2004). Self-control and social bonds: A combined control perspective on deviance. *Crime and Delinquency*, 50, 542–564.

-Sampson, R. J, & Laub, J.(1997). *Crime in the making: Pathways and turning points through life*. Cambridge, MA.: Harvard University Press

-Thio, A.(2013).*Deviant behavior*. Boston: Pearson.

-WJP.Transparency International. from <http://www.transparency.org>